

گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی مجازی (تحلیل سیستماتیک پژوهش‌های مرتبط)

هادی خانیکی^۱ یوسف خجیر^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۶، تاریخ تایید: ۹۷/۱۱/۲۲

چکیده

این پژوهش درصدد بررسی امکان و امتناع گفت‌وگو در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. روش این پژوهش، مرور سیستماتیک است که براساس آن، پژوهش‌های مرتبط با موضوع از نظر امکان، امتناع و شرط تحقق گفت‌وگو در این فضا مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که دلایل امکان تحقق گفت‌وگو به ویژگی‌های فنی رسانه‌های جدید و ویژگی ساختار شبکه‌ها برمی‌گردد. همچنین دلایل امتناع آن به سلطه ساختارهای سیاسی و اقتصادی بر فضای مجازی، ویژگی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و مهارت‌های گفت‌وگویی کاربر در دنیای واقعی و مجازی برمی‌گردد. محققان معتقدند که تحقق گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی نیازمند بسترسازی دولت‌ها و ایجاد فضای باز گفت‌وگو توسط آنها و آموزش کاربران در دو حوزه آموزش مهارت گفت‌وگو در دنیای واقعی و مجازی و آموزش سواد استفاده از رسانه‌های جدید است.

واژگان کلیدی: گفت‌وگو، حوزه عمومی، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی مجازی.

^۱ استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسول) hadi.khaniki@gmail.com

^۲ هیأت علمی گروه ارتباطات دانشگاه سوره khojir@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

از دو دهه اخیر تاکنون، اینترنت و متعاقب آن شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱ با ارائه طیف بسیار وسیعی از امکانات و خدمات، جامعه جهانی را در حوزه‌های گوناگون دچار تحول کرده‌اند. این فناوری‌های نوظهور با ایجاد فرصت دسترسی آسان به حجم زیادی از اطلاعات، امکان برقراری ارتباط سریع هم‌زمان، فرصت‌های برابر برای ارسال و دریافت پیام و ایجاد بستر فعالیت‌های شغلی، آموزشی، سرگرمی و... برای کاربرانی که دائماً تعدادشان رو به افزایش است، توانسته‌اند جای خود را در زندگی کاربران باز کنند و به دنبال آن زندگی آنها را دچار تحول سازند. «در عصر جدید اینترنت و شبکه‌ها، با نوآوری‌ها و بدعت‌هایی بی‌بدیل، نظام ارتباطات اجتماعی و متعاقب آن جامعه را با تغییر و تحولات بسیاری روبه‌رو ساخته است» (Mesch, 2015: 45). توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، افزایش ضریب نفوذ اینترنت، بهره‌گیری از امکانات وب^۲، ایجاد ارتباطات تعاملی و شبکه‌ای منجر به شکل‌گیری نوع جدیدی از روابط اجتماعی تحت یک ساختار اجتماعی جدید شده است؛ این جامعه جدید «جامعه شبکه‌ای»^۳ نام گرفت. «در این جامعه، گستره وسیع اینترنت با امکانات شبکه‌سازی بسیط خود، بستر تعامل و تقویت روابط اجتماعی را طوری گسترانده که قبلاً هرگز تصور نمی‌شد و در واقع ترکیب شبکه‌سازی اجتماعی با تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی منجر به حالات جدید برقراری ارتباط شده است، این جامعه، به‌مدد شبکه‌های اجتماعی دارای تحولات جدیدی در جامعه است» (Castells, 2004: 34). با شکل‌گیری این ساختار جدید و بروز جامعه شبکه‌ای، امید به احیای برخی از اندیشه‌های فیلسوفان اجتماعی و اندیشمندان حوزه جامعه و فرهنگ؛ به‌ویژه احیای اندیشه حوزه عمومی^۴ و گفت‌وگو^۴ که به تعبیر هابرماس با تجاری‌شدن رسانه‌های جمعی به خلسه و انزوا رفته است (Habermas, 1996) دوباره زنده شده‌اند. اینترنت و متعاقب آن شبکه‌های اجتماعی مجازی، به‌خاطر ویژگی فنی و رویکرد تعاملی در ابتدای گسترش خود این نوید را می‌دادند که بتوانند زمینه شکل‌گیری و توسعه گفت‌وگو در فضای مجازی را مهیا سازند. اما پس از مدتی که تجربه کاربران از این فناوری‌ها افزایش یافت، در این اندیشه، تردید ایجاد شد. در پی این تردید، پژوهش‌های گوناگونی در خصوص گفت‌وگو در فضای مجازی صورت گرفته است، یافته‌های پژوهش محققان متفاوت و در برخی موارد متضاد با اندیشه اولیه در خصوص گفت‌وگو در فضای مجازی بود؛ به‌نحوی که در همان سال‌های نخست، دو رویکرد متعارض نسبت به آن شکل گرفت؛ رویکرد نخست که با نگاه خوش‌بینانه به امکان گفت‌وگو در اینترنت و

¹ Virtual Social Network

² Network Society

³ Public Sphere

⁴ Dialogue

بعدها شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌اندیشید که نمونه آن (Habermas, 1996)، (Rheingold, 1993, 2000, 2008)، (Wang & Bates, 2008)، (Gerhards, 2010) و رویکرد دوم با نگاه بدبینانه به امتناع گفت‌وگو در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فکر می‌کرد که نمونه آن (Poster, 1995)، (Papacharissi, 2002, 2011) و (Sorj, 2006) بودند. مدت‌ها بعد، برخی از اندیشمندان با رویکرد بینابینی و نگاه مشروط‌گرایانه به بیان شرط برای تحقق گفت‌وگو در شبکه‌ها یا عدم تحقق آن پرداختند که (Dahlberg, 2001)، (Gimmler, 2001) و (Wellman & et al, 2001) از این دست هستند. بررسی این تحقیقات نشان می‌دهد که هر کدام از پژوهش‌ها در تأیید تحقق یا عدم تحقق گفتگو در فضای مجازی (اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی مجازی) دلایل و عواملی را طرح می‌کنند که هر کدام حایز اهمیت است. جهت بررسی، تحلیل و دسته‌بندی این دلایل و عوامل، مقاله درصدد است با بررسی پژوهش‌های موجود در زمینه فضای مجازی و گفت‌وگو؛ به بررسی امکان و امتناع و شروط تحقق گفتگو در این رسانه‌های جدید بپردازد.

در این راستا، سؤال‌های این مقاله این است که پژوهشگران در تحقیق خود چه دلایلی را باعث امکان تحقق گفتگو در شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌دانند؟ چه دلایلی را باعث امتناع آن می‌دانند؟ شروطی که رعایت آنها باعث تحقق گفتگو در شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌شوند، کدامند؟

ادبیات نظری پژوهش

الف) شبکه اجتماعی مجازی

شبکه اجتماعی مجازی ظرفیتی در فضای مجازی است که میلیون‌ها نفر عضو آن هستند و بخش قابل توجهی از وقت روزانه خود را در آن می‌گذرانند. در واقع این شبکه، به بخشی از زندگی روزمره این افراد تبدیل شده است؛ تا حدودی که تشخیص مرز زندگی آنلاین و آفلاین مشکل است. «شبکه‌های اجتماعی مجازی، گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی هستند که بیشترین شباهت را به جامعه انسانی دارد و به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار فراوانی از افراد را می‌دهند» (Kraut & et al, 2002: 32). در خصوص تعریف این مفهوم توافق نظری وجود ندارد. برای همین، در ادبیات علمی برای این فناوری‌های مبتنی بر وب ۲ واژه‌ها و تعاریف گوناگونی مطرح شده است. «جامعه آنلاین، اجتماع مجازی، شبکه اجتماعی دیجیتال یا حتی سایت شبکه اجتماعی واژه‌های هستند که درصدد تعریف این مفهوم [شبکه اجتماعی مجازی] هستند و غالباً مترادف با آن مورد استفاده قرار می‌گیرند. دلیل بیشتر این نوع برداشت معانی را می‌توان صرفاً ارزیابی‌های مبتنی بر فرضیات دانست» (Heidman, 2012: 2)، اما با بررسی‌های تعاریفی

که در این زمینه شده است، می‌توان بیان داشت که شبکه اجتماعی مجازی یک برنامه کاربردی آنلاین (بخشی از رسانه‌های اجتماعی) و محصول وب ۲ (وب تعاملی) است که علاوه بر سه ویژگی ساختاری، تولید، مبادله و عرضه وب ۱ دارای ویژگی کنشگری فعالانه کاربر است. این شبکه‌ها متشکل از یک یا چند وبسایت هستند. امکانات فنی چون جستجوگری، ایمیل، فضای گفت‌وگو، امکان انتقال متن، صدا، تصویر و ویدئو باعث حضور کاربر در این فضا می‌شود (Ibid: 3). پروفایل‌سازی و ایجاد صفحه شخصی، ایجاد فهرست دوستان و عضوگیری، ایجاد گروه و حلقه‌سازی و پسند کردن و یادداشت از جمله ابزارهای اصلی و جذاب این شبکه‌هاست. این امکانات، پایه تعامل را ایجاد می‌کنند. در درون این صفحات، کاربر با توجه به امکانات متعددی که دارد به عضوگیری، تولید محتوا و انتشار آن می‌پردازد. شبکه‌های اجتماعی از نظر ساختاری دارای قابلیت‌های چون چندسویگی به جای دوسویگی، نمایش تولید محتوا، اشتراک‌گذاری پیام، مشارکت در پیام کاربران دیگر، تشکیل کلوپ‌های پیام و تصویر و به رأی گذاشتن پیام هستند (Obar & Wildman, 2015). پس در مجموع می‌توان بیان داشت که شبکه اجتماعی مجازی، فضای آنلاین مبتنی بر وبسایت یا وبسایت‌هایی از نسل وب ۲ هستند که با استفاده از یک موتور جست‌وجوگر و افزودن امکاناتی مانند چت، ایمیل، انتقال متن، صدا، تصویر، ویدئو به کاربران خود امکان ساخت پروفایل، فهرستی از مخاطبان، حلقه دوستیابی برای برقراری ارتباط در قالب شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی یا اشتراک‌گذاری علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را می‌دهد. در واقع آنها ساختارهای اجتماعی جهت ایجاد، گسترش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی هستند.

ب): گفت‌وگو از تعریف تا اندیشه‌های هابرماس

واژه گفت‌وگو که در این پژوهش مدنظر است؛ در زبان انگلیسی معادل واژه Dialogue است. این واژه، ریشه یونانی دارد که با ورود به ادبیات انگلیسی مترادف‌های گوناگونی پیدا کرده است که به لحاظ ماهوی با آن تفاوت دارند. باربلز^۱ (۱۹۹۳) در کتاب «گفتگو در آموزش: اندیشه و عمل» معتقد است که با توجه به اینکه در زبان یونانی این تفکیک اتفاق نیفتاده است و گفت‌وگو معادل اندیشه گرفته شده است، در زبان‌های دیگر (به‌ویژه انگلیسی) تداخل معنایی بین گفت‌وگو و واژه‌های دیگر به‌وجود آمده است (Burbles, 1993). وی معتقد است که این واژه، به معنای جریان سخن در بین افراد بدون هیچ محدودیت و ممانعتی است که با واژه‌های دیگر چون Conversation، Debate، Discussion تفاوت دارد. وی برای تبیین این تفاوت، با

^۱ Burbles, N. C. (1993) "Dialogue in teaching: Thinking and practice"

بهره‌گیری از اندیشه‌های باختین (۱۹۷۵)، رورتی^۱ (۱۹۷۹) و گادامر^۲ (۱۹۸۰) در یک جدول دویبعدی، سعی در تشریح و حل این تفاوت معنایی کرد.

جدول شماره (۱): تفاوت دیالوگ با مفاهیم نزدیک آن (Burbles, 1993)

نگرش به مشارکت‌کنندگان			
غیرانتقادی	انتقادی		
مکالمه (Conversation)	بحث (Debate)	واگرایی	نگرش به دانش
پرس‌وجو (Inquiry)	گفت‌وگو (Dialogue)	همگرایی	

بارلز معتقد است در یک فرآیند ارتباطی که بتوان دیالوگ‌محور بودن آن را تشخیص داد، دو عامل مشارکت‌کنندگان و محتوای ارتباطی که بین آنها رد و بدل می‌شوند، حایز اهمیت هستند. از نگاه وی، در مشارکت‌کنندگان نگاه انتقادی و غیرانتقادی و در دانشی که بین آنها رد و بدل می‌شود، میزان همگرایی و واگرایی بین افراد حایز اهمیت است. گفتگو به معنای دیالوگ در درون خود دارای ماهیت انتقادی و باعث همگرایی بین اعضای گفتگو می‌شود، اما شقوق دیگر هر دو ویژگی را به یکباره با یکدیگر ندارند (Burbles, 1993, 112). حال با توجه به این تبیین مفهومی، وارد اندیشه گفت‌وگو با رویکرد حوزه عمومی هابرماس می‌شویم. یورگن هابرماس، فیلسوف متأخر مکتب فرانکفورت^۳ از جمله اندیشمندانی است که به بحث گفت‌وگو توجه ویژه‌ای دارد. مرکزیت بحث گفت‌وگو در اندیشه هابرماس در نظریه حوزه عمومی وی قرار دارد. حوزه عمومی در واقع، عرصه‌ای است که در آن گفت‌وگو و استدلال منطقی برای رسیدن به یک تفاهم و توافق ارتباطی و اخلاقی انجام می‌شود. حوزه‌ای که فارغ از ساختارهای قدرت و ثروت عمل می‌کند (هابرماس، ۱۳۹۲: ۲۱). هابرماس با طرح و بسط حوزه عمومی در کتاب «دگرگونی ساختاری حوزه عمومی» به نظریه «گفت‌وگو و حقیقت‌یابی» خود می‌رسد. در این نظریه، هدف، آمادگی کنش‌گران برای طرح ادعاهای اخلاقی، دفاع و پاسخگویی راجع به آن با رعایت مسائل اخلاقی در قبال خود و دیگران است. «در نظریه هابرماس دو محور بحث، کنش ارتباطی و وضعیت کلامی ایده‌آل است» (Out Waite, 2000: 179). کنش ارتباطی در مقابل کنش ابزاری و استراتژیک، برخاسته از عقلانیت ارتباطی است که اساساً فرآیندی رهایی‌بخش

¹ Rorty

² Gadamer

³ Frankfurt School

است. «در کنش ارتباطی در هر گفت‌وگویی افراد خصوصی گرد هم می‌آیند تا حوزه عمومی را تشکیل دهند، در این حوزه، می‌توان مسائل و موضوعات مورد علاقه عمومی را به گفتگو گذاشت، عرصه‌ای که در آن می‌توان اختلاف نظرها و آراء و افکار را از طریق بحث و استدلال منطقی و نه از طریق توسل به تعصبات جا افتاده و یا احکام سنتی صادره از سوی عرف و عادات حل کرد» (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۵۴). در کنار این مفهوم، هابرماس برای گسترش حوزه عقلانیت ارتباطی خود نیازمند گسترش توانایی‌های کلامی و ارتباطی است. از اینجاست که وی مفهوم «وضعیت کلامی ایده‌آل» را طرح می‌کند، که در آن توانایی‌های ارتباطی و کلامی لازم برای ایجاد جهانی عقلانیت ارتباطی تحقق می‌یابد. هابرماس «وضعیت کلامی ایده‌آل» را عمل ارتباطی و کلامی برای رسیدن به حقیقت می‌داند (Habermas, 1994: 180). در مجموع، مفهوم گفت‌وگو، مفهوم کانونی در نظریه هابرماس پیرامون جامعه دموکراتیک و دموکراسی است. گفت‌وگو رویه‌ای مدنی برای حل عادلانه مناقشات است. وی معتقد است مشارکت از طریق گفت‌وگو باعث اعتلای جامعه انسانی می‌شود. به بیان دیگر، گفت‌وگو باعث تبادل نظر و ایجاد زمینه مشارکت بین گفت‌وگوکنندگان و در نهایت توسعه می‌شود. گفت‌وگو، عقلانیت و کرامت انسانی، سه ویژگی بارز حوزه عمومی قوی و کارآمد برای هر جامعه است.

پ) چارچوب مفهومی پژوهش

در خصوص گفتگو در فضای مجازی (از اینترنت تا شبکه‌های اجتماعی مجازی) سه رویکرد مفهومی وجود دارد؛ رویکرد نخست، خوش‌بینانه است. شروع این رویکرد را می‌توان در اندیشه‌های اولیه هابرماس در خصوص اینترنت دید. «هابرماس از جمله اندیشمندانی است که در مورد نقش رسانه‌های دیجیتالی در خصوص حوزه عمومی نگاه مثبتی دارد. وی معتقد است که رسانه‌ها در جامعه با سه کار اصلی تشکیل حوزه عمومی، محافظت از آن و سالم‌سازی حوزه عمومی، نقش اساسی در این حوزه دارند (ویستر، ۱۳۸۰: ۲۱۴). هابرماس در این باره معتقد است: «اینترنت در چارچوب نامحدود دسترسی به اطلاعات و مشارکت برابر در گفتمان می‌تواند هدایتگر دموکراتیزه‌شدن جامعه باشد. اینترنت قادر است برای گفتگوی ایده‌آل شرایط مناسبی را ایجاد کند.» (Habermas, 1994: 25). البته نگاه اولیه هابرماس به اینترنت بعدها با طرح ایده «مدیریت اطلاعات» وی تعدیل شد. هاوارد رینگولد^۱ استاد دانشگاه استنفورد^۲ آمریکا اندیشمند دیگری است که با طرح بحث اجتماعات مجازی^۳ و انتشار کتاب آن در سال ۱۹۹۳ وارد بحث رسانه‌های جدید شد. رینگولد در این کتاب با نگاه مثبت به این رسانه‌های نوظهور معتقد است

¹ Howard Rheingold

² Stanford University

³ Virtual community

که این رسانه‌ها نقش مثبتی در ایجاد اجتماعات مجازی در فضای مجازی و فضای گفت‌وگوی آنلاین برای شهروندان دارند. او همچنین معتقد است شکل‌گیری اجتماعات مجازی فرصتی برای احیای حوزه عمومی است و متعاقب آن زمینه‌ای لازم برای احیای دموکراسی مبتنی بر شهروندی است. با ظهور اجتماعات مجازی توسط مردم، جامعه به سوی دموکراسی مشارکتی پیش می‌رود (Rheingold, 1993: 14). وی رسانه‌های جدید را به‌عنوان عامل اساسی در توسعه گفتمان عمومی و گفت‌وگو منتهی به حوزه عمومی می‌داند و از آن به‌عنوان «یوتویپای فناوری» نام می‌برد. وی در چاپ دوم کتاب - که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد- بیان می‌کند که «در آینده نزدیک، با همه‌گیر شدن و همگرایی رسانه‌های اجتماعی، بی‌شک این روند ارتباطات و گفت‌وگو افزایش می‌یابد؛ در ضمن مشارکت می‌تواند با همان افرادی که دسترسی به اینترنت دارند حرکت خود را آغاز کند. در آینده، به همت رسانه‌های جدید، حوزه عمومی مبتنی بر گفتگو و پذیرش مدنی بیشتر می‌شود» (Rheingold, 2000: 14). در امتداد همین نگاه، رینگولد در سال ۲۰۰۸ در مجموعه مقالاتی که توسط مؤسسه فناوری ماساچوست^۱ به نام «زندگی مدنی آنلاین»^۲ منتشر شد نقش شبکه اجتماعی (به‌ویژه مای‌اسپیس و میکرو بلاگ‌ها) را در تحقق گفت‌وگو و مشارکت مدنی مؤثرتر عنوان می‌کند، اما در همین اثر، نگاه افراطی اولیه وی تعدیل می‌شود و برای تحقق امکان گفت‌وگو در این شبکه‌ها شرط بیان می‌کند.

رویکرد دوم بدبینانه است. مارک پاستر^۳، استاد دانشگاه کالیفرنیا، از جمله نخستین اندیشمندانی است که با نگاه انتقادی به رابطه بین اینترنت و فضای مجازی و گفت‌وگو و حوزه عمومی می‌نگرد. وی در سال ۱۹۹۵ در مقاله سایبردموکراسی: اینترنت و حوزه عمومی^۴ ضمن بیان ظرفیت‌ها و توانمندی اینترنت و نقش آن در جامعه، براساس انتقادهای که اندیشمندانی چون لیوتار (۱۹۸۰)، فریزر (۱۹۹۰) و نگت و کلیج (۱۹۹۰) به اندیشه حوزه عمومی هابرماس داشتند آنها را به بحث حوزه عمومی و گفت‌وگو در اینترنت تعمیم داد و به انتقاد در این زمینه پرداخت. وی در این مقاله معتقد است اینترنت باعث ایجاد گفت‌وگوهای غیرمتمرکز می‌شود و ترکیب جدیدی از صداهای فردی و جدیدی را ایجاد می‌کند. تعامل و گفت‌وگو در این فضا غیرمتمرکز و به‌دور از اجماع است. در آن [اینترنت] گفت‌وگو با سلسله‌مراتب یا با ساختار بسیار کمی رخ می‌دهد. حتی در کنار نابرابری‌های جنسیتی، نژادی، طبقه‌ای و سنی، نابرابری در تایپ مطالب گفت‌وگو در اینترنت جزء محدودیت‌های گفت‌وگو در فضای مجازی است (Poster,)

¹ Massachusetts Institute of Technology

² Civic Life Online

³ Mark Poster

⁴ CyberDemocracy: Internet and the Public Sphere

1995). وی همچنین براساس ایده کتاب «عصر دوم رسانه»^۱ خود نیز بیان می‌کند که هویت عصر اینترنت، هویت پسامدرنی و چندپاره است که امکان پذیرش یک روایت و اجماع در اینترنت از طریق گفت‌وگو ممکن نیست. زی زی پاپاچریسی^۲، استاد و رئیس دپارتمان ارتباطات دانشگاه ایلینویز شیکاگو^۳ نیز به تبعیت از مارک پاستر^۴ نگاه انتقادی به نقش اینترنت و رسانه‌های جدید در گفت‌وگو دارد. وی معتقد است اینترنت و فن‌آوری‌های نوین، وعده‌آیای حوزه عمومی را از طریق گفت‌وگو می‌دهند، اما به دلیل نابرابری در دسترسی به اطلاعات، محافظه‌کاری و ترس، الگوی سرمایه‌داری حاکم بر این رسانه‌ها امکان تحقق گفت‌وگو در این فضا وجود ندارد (Papacharissi, 2002). وی در سال ۲۰۱۱ در نتیجه‌گیری کتاب^۵ A Networked Self که به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر حوزه فرهنگ و هویت جامعه می‌پردازد همین نگاه را در خصوص شبکه‌های اجتماعی مجازی مطرح می‌کند. «هویت‌های چندگانه و چندپاره کاربران در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی و ایجاد خود قوی کاربر در این سایت‌ها، امکان پذیرش دیگری، قواعد گفت‌وگو با وی و فهم محتوای پیامش را کاهش می‌دهد» (Papacharissi, 2011: 314).

رویکرد سوم، رویکرد بینابینی و عمل‌گرایانه است. از این لحاظ بینابینی است که خوش‌بینی و بدبینی دو گروه قبل را ندارد و از این لحاظ عمل‌گرایانه است که در کنار نگاه نظری برخاسته از تجربه و عمل کاربران در عرصه فضای مجازی هستند. این طیف معتقدند که تحقق گفت‌وگو در فضای مجازی مشروط بر انجام پیش‌شرط‌ها و مقدماتی است؛ به نحوی که گفت‌وگو به خودی خود براساس ویژگی‌های فنی و ساختاری رسانه‌های جدید صورت نمی‌گیرد، بلکه نیازمند تمهیدات اولیه‌ای نیز هست. اگرچه این نگاه در رسانه‌های جدید را می‌توان بیشتر در اندیشه افرادی چون بری ولمن^۶ کانادایی دید، اما در حوزه گفت‌وگو می‌توان به محققانی چون لینکلن دالبرگ^۷ و انتج گیملر^۸ استاد فلسفه ارتباطات دانشگاه البورگ^۹ دانمارک نیز اشاره کرد.

^۱The Second Media Age

^۲Zizi Papacharissi

^۳University of Illinois at Chicago

^۴ این تبعیت حتی در شباهت عنوان مقاله وی با عنوان مقاله پاستر دیده می‌شود که در قسمت یافته‌ها به آن اشاره می‌شود.

^۵ این کتاب با سرویراستاری پاپاچریسی در سال ۲۰۱۱ با مقالات متعددی در سه بخش هویت، فرهنگ و اجتماع گردآوری شد. عنوان کامل کتاب

A Networked Self: Identity, Community, and Culture on Social Network Sites

^۶Bary Wellman

^۷Lincoln Dahlberg

^۸Antje Gimmler

^۹Aalborg University Denmark

دالبرگ با مطالعه بر بحث گفتگو در اینترنت معتقد است که «گرچه بسیاری از اندیشمندان به تعاملات و گفت‌وگوهای اینترنتی انتقاد دارند و عوامل محدودکننده آن را زیاد می‌دانند، اما با جذب مشارکت کنشگران در اینترنت، آموزش آنان برای گفت‌وگو در این فضا و کسب تجربه، می‌توان از ظرفیت‌های اینترنت به‌عنوان یک ابزار سیاسی کارآمد برای توسعه مشارکت مبتنی بر گفت‌وگو استفاده کرد» (Dahlberg, 2001: 65). گیملر نیز معتقد است اینترنت می‌تواند یک ابزار سیاسی کارآمد برای دموکراسی باشد؛ اگر که دولتمردان به این اعتقاد برسند. در اینترنت گفت‌وگوهای آزاد و باز در یک حوزه عمومی نقش حیاتی و تعیین‌کننده‌ای در رشد مدل دموکراسی مشارکتی مبتنی بر گفت‌وگو دارند. «اما مشروط بر این است که مفاهیم هنجاری حوزه عمومی و عناصر اساسی آن یعنی گفت‌وگو، ارتباط آزاد، دسترسی برابر به اطلاعات و بحث در مورد هر موضوع عمومی، حتی موضوعات دولتی را بپذیریم» (Gimmler, 2001: 46).

روش تحقیق

روش این مقاله روش مرور سیستماتیک^۱ است. «مرور سیستماتیک روش مناسبی برای ارزیابی، تلخیص و پیوند نتایج مطالعات پراکنده و جداگانه به‌ویژه با دیدگاه‌ها و نتایج متضاد است» (فانعی‌راد و جنادله، ۱۳۹۴: ۱۸). این یک روش نظام‌مند و شفاف برای شناسایی، انتخاب و ارزشیابی نقادانه مطالعات مرتبط و همچنین جمع‌آوری و تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات موجود است (Shannon, 2002). صاحب‌نظران این روش، تقریباً فرآیند مشابهی را برای انجام آن مطرح می‌کنند. یکی از معتبرترین این فرآیندها متعلق به رایت و همکارانش (۲۰۰۷) است. آنها انجام این روش را در هفت مرحله طراحی کردند که شامل؛ تعیین سؤال پژوهش، تعیین پروتکل انجام پژوهش، جستجوی مطالعات پیشین، استخراج داده‌های مدنظر، ارزیابی کیفی براساس محور سؤال‌های اولیه، تحلیل یافته‌ها، ارائه نتایج و در نهایت بحث و تفسیر آن است (Wright & et al, 2007). در خصوص مرحله نخست این روش، در بند (۱) مقاله در امتداد طرح مسئله، سؤال‌های پژوهش مطرح شد. در خصوص مرحله دوم، پروتکل این پژوهش در خصوص دو متغیر شبکه‌های اجتماعی و گفت‌وگو این است که مقالات پژوهشی مورد بررسی قرار می‌گیرند که مستقیماً به بحث شبکه‌های اجتماعی مجازی و فضای مجازی و گفت‌وگو پرداخته باشند یا اینکه به‌طور غیرمستقیم ذیل اینترنت و رسانه‌های اجتماعی و بحث حوزه عمومی، عقلانیت ارتباطی و... به بحث گفت‌وگو بپردازند. در مقالاتی که غیرمستقیماً به موضوع مورد بحث پرداخته‌اند نکته اصلی این است که حتماً باید در این مقالات یک بخش مستقل از مقاله به گفت‌وگو در فضای مجازی (اینترنت، رسانه اجتماعی یا شبکه اجتماعی مجازی) اشاره

¹ Systematic Reviews

کرده باشد. در مرحله سوم، انتخاب مقاله‌های علمی پژوهشی یا گزارش‌های پژوهشی برای مقاله‌های خارجی در دو سایت Scimedirect.com و Googelscholar.com و مقاله‌های داخلی در دو سایت Magiran.com (پایگاه علمی مگیران) و Ensani.ir (پایگاه جامع علوم انسانی) صورت گرفت. با توجه به اینکه تجربه گفت‌وگو و گفت‌وگو در فضای مجازی در ایران کمی متفاوت است، در کنار مقاله‌های خارجی، برای شناخت دیدگاه صاحب‌نظران و محققان ایرانی به بحث گفت‌وگو در فضای مجازی مقاله‌های داخلی مرتبط با این حوزه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. «اجتماعات مجازی» و «استفاده از رسانه‌های مشارکتی و صدای عمومی در مشارکت مدنی» رینگولد (۲۰۰۰ و ۲۰۰۸)، «اینترنت و گفتمان دموکراتیک: بررسی چشم‌انداز تالارهای گفتگوی آنلاین بر گسترش حوزه عمومی» دالبرگ (۲۰۰۱)، «دموکراسی مشارکتی، حوزه عمومی و اینترنت» گیملر (۲۰۰۱)، «شکاف دیجیتال: تعهد مدنی، فقر اطلاعات و اینترنت در جامعه دموکراتیک» نوریس (۲۰۰۱)، «فضای مجازی: اینترنت به مثابه حوزه عمومی» پاپاچرسی (۲۰۰۲)، «گسترش گفت‌وگو: اینترنت، عرصه عمومی و چشم‌انداز دموکراسی فراملی»، بوهمن (۲۰۰۴)، «حوزه عمومی آنلاین و دموکراسی در چین: مورد مطالعاتی حادثه سان‌شیگانگ» وانگ و بتس (۲۰۰۸)، «آیا اینترنت یک حوزه عمومی بهتری است؟ مقایسه رسانه‌های قدیمی و جدید» گرهاردس (۲۰۱۰)، «گفت‌وگو و پرس‌وجو: از نظریه تا عمل» سوان (۲۰۱۳)، «سه بعد حوزه عمومی در فیس‌بوک» باتورسکی و گریزوفسکی (۲۰۱۷)، «گفت‌وگو در دنیای مجازی» (تأثیر فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی بر گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها) گل محمدی (۱۳۸۶)، «حوزه عمومی و گفت‌وگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی» یزدی‌خواست و دیگران (۱۳۹۲)، «شبکه‌های اجتماعی به مثابه حوزه عمومی (با تأکید بر گفت‌وگو و کنش ارتباطی)» نیازی و همکاران (۱۳۹۵)، «تحلیل وضعیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با رویکرد حوزه عمومی هابرماس (مورد مطالعه چند گروه فیسبوکی)» خانیکی و دیگران (۱۳۹۶) مقالات منتخب هستند. مراحل چهارم تا هفتم روش مرور سیستماتیک در بخش ۴ و ۵ مقاله آورده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

در این مرحله، مرور سیستماتیک، داده‌ها براساس سؤالات پژوهش از مقاله‌ها استخراج و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این قسمت، دلایل امکان، امتناع و شروط تحقق گفت‌وگو در جداول جداگانه استخراج و در ذیل آنها تحلیل‌ها صورت می‌گیرد. الگوی دسته‌بندی سه‌گانه مذکور براساس ایده‌ای بود که از مقاله قانع‌راد و جنادله (۱۳۹۴) در خصوص حوزه عمومی اخذ شده است.

الف) امکان تحقق گفت‌وگو در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

جدول (۲): دلایل امکان تحقق گفتگو در شبکه‌های اجتماعی

دلایل تحقق گفت‌وگو و زمینه‌های آن از نگاه پژوهشگران	پژوهشگر یا پژوهشگران
گستره پوشش و دربرگیری وسیع، ارزان و سریع بودن، رویکرد تعاملی و دوسوییگی، امکان تولید محتوا توسط مخاطب و پاسخگویی وی به بازخوردها، آزادی در برقراری ارتباط، پرهیز از محافظه‌کاری، امکان تعدد نظرات و بررسی آنها	رینگولد (۲۰۰۰) و (۲۰۰۸)
فهم اهمیت و زوایای پنهان مسائل، ارتباط برقرار کردن با مسائل و عمومی‌شدن آن، آگاهی از دیدگاه‌های دیگران، آشنایی با نظرات گروه‌های حاشیه‌ای و رانده‌شده، تعاملی بودن نظرات، ارتباطات افقی و غیرمتمرکز	دالبرگ (۲۰۰۱)
ایجاد همگرایی و پذیرش دیگری، امکان دیالوگ با دیگران، در دسترس بودن، شنیدن صداهای دیگران، گستردگی سطح جهانی، امکان گفت‌وگو چند نفره	بوهمن (۲۰۰۴)
تعاملی بودن، دسترسی به اطلاعات، مشارکت برابر اعضا، ایجاد فضای باز برای گفت‌وگو، عدم کنترل رژیم‌های سیاسی، ایجاد فضای دسترسی برای شهروندان عادی و رانده‌شده، تبدیل یک رویداد به مسائل عمومی	وانگ و پتس (۲۰۰۸)
طرح آزادانه مسائل، باز بودن فضا برای مشارکت در بحث، فقدان محدودیت سیاسی و سازمانی، ارتباطات افقی، درگیری با موضوع، امکان طرح استدلال‌های متنوع، هم‌زمانی ارتباطات، دسترسی به دیگران	گرهاردس (۲۰۱۰)
جهانی بودن شبکه‌ها، جذابیت گفتگو در شبکه‌ها برای کاربران، حضور دیگران و عدم تمرکزگرایی، توانایی ایجاد مشارکت در کاربر، توجه به مخاطب به‌عنوان دیگری	باتورسکی و گزبونیسکی (۲۰۱۷)
تعاملی بودن، تمرکززا بودن، فراگیر بودن و هم‌زمانی ارتباط	نیازی و دیگران (۱۳۹۵)
زمینه دسترسی کاربران به اطلاعات گوناگون، آشنایی با موضوعات روز جهت گفت‌وگو	خانیکی و دیگران (۱۳۹۶)

دلایلی که محققان در خصوص امکان تحقق گفت‌وگو در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌کنند را می‌توان در دو دسته ویژگی فناوری‌های نوین و ویژگی ساختار شبکه‌ای تقسیم کرد.

ویژگی فنی شبکه‌های اجتماعی در تحقق گفت‌وگو: در دسته نخست، اندیشمندان با تکیه بر ویژگی فنی و ذاتی رسانه‌های جدید در مقایسه با رسانه‌های جمعی بر این باور هستند که این ویژگی‌ها می‌توانند زمینه‌های گفت‌وگو را محقق سازند. از پیشگامان این رویکرد، رینگولد

است. رینگولد که از کتاب اجتماعات مجازی در سال ۱۹۹۳ تاکنون، دغدغه ایجاد دموکراسی از طریق رسانه‌های جدید را دارد بر این باور است که رسانه‌های جدید باعث ایجاد گفت‌وگو و حوزه عمومی و در نهایت دموکراسی مبتنی بر گفت‌وگو می‌شوند. وی با تأکید بر ویژگی در دسترس بودن اطلاعات و قلمرو جهانی فناوری‌های نوین بیان می‌کند که «ویژگی در دسترس بودن اطلاعات برای همه و گستره پوشش جهانی باعث می‌شود کاربران در سراسر دنیا در مورد یک موضوع خاص مانند آلودگی محیط زیست گفت‌وگو کنند و نتایج آن را به بحث بگذارند. این فناوری، به همه امکان مشارکت کردن در گفت‌وگو را می‌دهد، امکانی که در گذشته محدود یا ناقص بود» (Rheingold, 2000: 14). وی در مقاله دیگر با تأکید بر ویژگی مخاطب‌محوری فناوری‌های جدید ارتباطی بیان می‌دارد: «ویژگی مخاطب‌محوری، این امکان را به جوانان و دانشجویان می‌دهد که با تولید و انتشار مطالب، عکس و ویدئوی آنلاین در شبکه‌های مجازی، مباحث خود را طرح و در مورد آن گفت‌وگو و استدلال کنند، این باعث تقویت گفت‌وگویی مجازی می‌شود» (Rheingold, 2008: 102). همین نگاه را دالبرگ نیز در مقاله خود مطرح می‌کند که «این ابزارهای جدید از آن جهت یک ابزار کارآمد سیاسی برای شهروندان است که دارای ویژگی ذاتی غیرتمرکزگرا و تعاملی بین کاربران است. ویژگی رسانه‌های جدید ایجاد امکان تعامل بین شهروندان، به دور از قدرت است» (Dahlberg, 2001: 65). وانگ و بتس نیز که به مطالعه دموکراسی آنلاین در چین پرداختند در این باره بخشی از امکان گفت‌وگو در شبکه‌ها را مختص ویژگی تعاملی بودن و در دسترس بودن آن می‌دانند و معتقدند «رسانه‌های جدید این خصلت را دارند که اطلاعات را در دسترس همه قرار دهند و همه از رویدادها و اتفاقات با خبر شوند و با امکان تعامل بین کاربران، موضوع همه‌گیر شود. این امکانات، حوزه عمومی و گفت‌وگو را در چین و آمریکا تغییر داده‌اند. در کشور نیمه‌بسته ارتباطی - سیاسی چین، اینترنت با طرح بحث برای همه و زمینه‌سازی گفت‌وگو در فضای مجازی، باعث بهبود وضعیت دموکراسی در این کشور شد» (Wang & Bates, 2008: 32). گرهاردس نیز در مقاله خود با بررسی تطبیقی نقش رسانه‌های جمعی و رسانه‌های جدید در حوزه عمومی، در بخشی از مقاله با تأکید بر ویژگی فناوری رسانه‌های جدید معتقد است که رسانه‌های جدید، به‌خاطر هم‌زمانی ارتباطات، آنلاین بودن دائمی و دسترسی عمومی در ایجاد گفتگوی سالم و آزاد در سه سطح پیش‌شرط‌های ساختاری، زمینه‌های شکل‌گیری گفت‌وگو و ایجاد فضای باز برای گفت‌وگو و مشارکت در آن، موثرتر از رسانه‌های ماقبل خود هستند (Gerhards, 2010). باتورسکی و گرزینیسکی نیز در مقاله خود، دلایل تحقق گفت‌وگو در شبکه‌های مجازی را

ویژگی تمرکززدایی، جهان‌شمولی و دسترسی آزاد برای همهٔ جهانیان و ارتباط دوسویه بین کاربران می‌دانند (Batorski & Grzywińska, 2017: 368). نیازی و دیگران نیز در مقالهٔ خود -که تحلیل پژوهش‌های ایرانی در خصوص حوزهٔ عمومی و شبکهٔ اجتماعی مجازی بود- بیان می‌دارند که برخی از موافقان معتقدند که «به‌دلیل ویژگی تعاملی بودن، تمرکززدا بودن، فراگیر بودن و هم‌زمانی ارتباط، این فرصت برای کاربران ایجاد می‌شود که به بسط حوزهٔ عمومی و گفت‌وگو در شبکه بپردازند» (نیازی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۱).

ویژگی ساختار شبکه‌ای رسانه‌های جدید برای تحقق گفت‌وگو: دستهٔ دوم برخاسته از ویژگی‌های ساختاری شبکه‌ها و جامعه مبتنی بر شبکه است. همان‌طور که اندیشمندانی چون مانوئل کاستلز و بری ولمن معتقدند شبکه‌های اجتماعی باعث تغییر جامعه می‌شوند و جامعهٔ مبتنی بر شبکه‌ها دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد هستند، برخی از پژوهشگران با تأکید بر این ویژگی‌ها، معتقدند جامعهٔ جدید به کمک رسانه‌های جدید، تمهیدات و بستر لازم را برای گفت‌وگو ایجاد می‌کند. رینگولد (۲۰۰۸) در مقالهٔ خود برقراری ارتباط آزاد، بیان دیدگاه‌ها بدون لکنت و ترس، پرهیز از محافظه‌کاری و سانسور در گفت‌وگو را امکانی می‌داند که جامعهٔ جدید مبتنی بر شبکه‌ها در اختیار کاربران قرار داده است. «جوانان زیادی جهت گفت‌وگوی با دیگران و بیان آزادانهٔ نظرات و دیدگاه‌ها وارد اجتماعات مجازی می‌شوند... این امکانی است که شبکه‌ها برای مشارکت آنان در گفت‌وگو فراهم کرده است. ساختار شبکه‌های جدید، آنان را به سمت پرهیز از محافظه‌کاری در بیان عقیده و گفت‌وگو سوق می‌دهند» (Rheingold, 2008: 103). دالبرگ نیز در کنار عوامل فنی به امکان‌هایی اشاره می‌کند که رویکرد شبکه‌سازی رسانه‌های جدید، باعث تحقق آنها شده است. از نگاه وی مشارکت مدنی در هر امری نیازمند شناخت مسئله و تبدیل آن مسئله به افکار عمومی است. وی معتقد است پیوندهای شبکه‌ای در این رسانه‌های جدید باعث می‌شود که مردم اهمیت برخی مسائل و موضوعات عمومی پیرامون خود را درک کنند و از طریق جستجو و گفت‌وگو با دیگران از زوایای پنهان آن مسائل آگاه شوند و در اثنای همین گفت‌وگو، آن را به یک بحث و خواستهٔ عمومی تبدیل کنند. حتی می‌توانند در این زمینه با نظرات افراد و گروه‌های حاشیه‌ای و رانده‌شده آشنا شوند. این ویژگی‌های ساختاری، امکان گفت‌وگو را تشدید می‌کنند (Dahlberg, 2001). بوهمن در مقالهٔ خود که به گسترش گفت‌وگو از طریق شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد، معتقد است که گفت‌وگو نیازمند پیش‌نیازهایی است که در صورت تحقق آنها گفت‌وگو شکل می‌گیرد. به‌همین دلیل، وی بیان می‌کند که شبکه‌ها امکان دیالوگ کردن با دیگری و شنیدن صداها [دیدگاه‌ها]ی آنها

را محقق می‌سازند. در فضای شبکه‌ای، روابط شبکه‌ای بین اعضا باعث ایجاد همگرایی، تساهل و تسامح و پذیرش دیگری می‌شود (Bohman, 2004). به‌زعم وی شبکه‌ها این امکان را ایجاد می‌کنند که کاربران نسبت به همدیگر شناخت پیدا کنند، حرف‌های هم را بشنوند و ظرفیت گفتگویی خود را بالا برند. حتی وی در انتهای مقاله، به این نتیجه می‌رسد که ظرفیت‌سازی گفت‌وگو در شبکه‌ها می‌تواند باعث ایجاد ظرفیت گفت‌وگو در دنیای واقعی شود. وانگ و پتس نیز در مقاله خود که با مطالعه موردی حادثه سان‌شیگانگ^۱ چین به نقش رسانه‌های جدید در دموکراسی آنلاین پرداختند، معتقد هستند که «شبکه‌ها با ایجاد فضای باز برای طرح رویداد و گفت‌وگو در مورد آن، می‌توانند رویداد را به مسئله عمومی تبدیل کنند» (Wang & Bates, 2008: 36). آنان همچنین با توجه به محدودیت سیاسی که در جامعه چین وجود دارد، معتقد هستند که به دلیل ضعف نظارت رژیم‌های سیاسی بر شبکه‌های اجتماعی و دسترسی آسان شهروندان عادی و رانده شده (در حاشیه) به این رسانه‌ها، فضای مجازی، محمل خوبی برای حوزه عمومی و به تبع آن گفت‌وگوی عمومی است. گرهاردس (۲۰۱۰) نیز در کنار ادامه مقایسه رسانه‌های جمعی و اجتماعی در تحقق حوزه عمومی به ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که امکان تحقق گفت‌وگو و زمینه‌های آن را مهیا می‌کند. وی معتقد است رسانه‌های جمعی، به دلیل ارتباطات عمودی و دستوری، سلطه نهاد سیاست و بازار بر آن و محدودیت‌های سازمانی در بروز حوزه عمومی و گفت‌وگو چندان موفق نیستند، اما رسانه‌های جدید با توجه به فقدان محدودیت سیاسی و سازمانی، ارتباطات افقی، طرح آزادانه مسائل، باز بودن فضا برای مشارکت در بحث، درگیری با موضوع، امکان طرح استدلال‌های متنوع، زمینه بروز گفت‌وگو را فراهم می‌کنند (Gerhards, 2010). خانیکی و دیگران نیز معتقدند که شبکه‌های اجتماعی باعث آشنایی کاربران با موضوعات روز جهت گفت‌وگو می‌شود (خانیکی و دیگران، ۱۳۹۶). به‌زعم آنها، کاربران، هسته اصلی گفت‌وگوی خود را می‌توانند از درون همین شبکه‌های اجتماعی مجازی پیدا کنند.

^۱ سان‌شیگانگ جوانی بود که پس از خروج از کافی‌نت در شهر گوانژو چین، به‌علت عدم ارائه کارت شناسایی توسط پلیس دستگیر شد و در حین انتقال وی، پلیس متوسل به‌زور و اعمال خشونت می‌شود، این خشونت در بازداشتگاه نیز ادامه دارد که خبر و ویدئوی آن توسط یک روزنامه‌نگار محلی در اینترنت پخش می‌شود و اعتراض‌های خیابانی و واکنش‌های بسیار شدیدی در بین شهروندان و کنشگران اجتماعی در فضای مجازی ایجاد می‌کند.

ب) امتناع تحقق گفت‌وگو در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

جدول (۳): دلایل امتناع تحقق گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی

پژوهشگر یا پژوهشگران	دلایل امتناع گفت‌وگو و زمینه‌های آن از نگاه پژوهشگران
نوریس (۲۰۰۱)	سلطه صاحبان قدرت بر سیستم شبکه‌های اجتماعی مجازی، فقدان حق دسترسی همگانی به فضای مجازی، سرریزی اطلاعات، تخدیر کاربر به دلیل حجم بالای اطلاعات، جایگزینی گفت‌وگوی واقعی در دنیای واقعی، اعتیاد مجازی و از دست دادن فرصت برای گفت‌وگو در دنیای واقعی، جلوگیری از گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره، عضویت در گروه‌های همفکر و همسو (فقدان تضارب آراء)، تجاری‌شدن اینترنت
پاپا چریسی (۲۰۰۲)	نابرابری دسترسی به تجهیزات و اطلاعات، ایجاد همهمه و ترکیب صداهای فردگرایانه، محافظه‌کاری کاربران به دلیل ذخیره‌سازی اطلاعات، فقدان امنیت اطلاعات در کشورهای غیردموکراتیک، الگوهای سرمایه‌داری جهانی حاکم بر فناوری‌های نوین، هویت چندپاره کاربران، خود قوی کاربر عصر پست‌مدرنیسم و عدم اجماع بر سر یک موضوع، مردسالاری حاکم بر فضای مجازی
گل محمدی (۱۳۸۶)	توزیع نابرابر امکانات در تهیه و استفاده از فناوری، نابرابری در سواد استفاده از فناوری برای تحقق پیش‌نیازهای گفت‌وگو، تنوع‌گریزی، اضطراب بودن ارتباطات دیجیتالی، آزادی بیش از حد که منجر به ناشناختگی می‌شود، رهایی از مجازات
یزدی‌خواست و دیگران (۱۳۹۲)	توزیع نابرابر و نامتوازن امکانات، فقدان مهارت گفت‌وگو، وجود سلطه برخی گروه‌های فرهنگی، آزادی بی‌حد و حصر و رهایی از مجازات
نیازی و دیگران (۱۳۹۵)	عدم دسترسی به گوشی‌های هوشمند، نابرابری در سواد استفاده و حضور در شبکه‌ها، همهمه مجازی، فقدان رعایت گفت‌وگو به‌خاطر چندگویی در فرهنگ ایرانیان، تبدیل به جامعه سراسری
خانیکی و دیگران (۱۳۹۶)	عدم برابری در گفتگو به دلیل توزیع نابرابر سرمایه‌های مختلف، سطحی‌بودن اطلاعات، ادامه‌دار نبودن مسائل مطرح‌شده، ضعف در استدلال‌پذیری کاربران، شکل‌گیری قضاوت‌های کلیشه‌ای و افراطی به دلیل ناشناخته بودن کاربر، کنترل جریان آزاد اطلاعات توسط دولت‌ها، مطرح‌شدن مسائل خصوصی، به‌جای مسائل عمومی

برخلاف طرفداران نگاه خوش‌بینانه، برخی اندیشمندان با رویکرد انتقادی و در برخی موارد منفی به امتناع گفت‌وگو در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی اشاره دارند و برای آن دلایلی نیز مطرح می‌کنند. این دلایل را می‌توان به سه دسته دلایل ساختارهای سیاسی و اقتصادی، ویژگی شبکه‌ها و فضای مجازی و ویژگی‌های کاربر دسته‌بندی کرد.

در دسته اول، برخی از پژوهشگران با اتخاذ رویکرد بدبینانه نسبت به فضای مجازی، آن را در امتداد سلطه سیاسی-اقتصادی دولت‌ها (به‌ویژه امپریالیسم) می‌دانند و با همین رویکرد،

معتقدند که گفت‌وگو در این فضا به دلیل سلطه، امکان‌پذیر نیست. نوریس از جمله منتقدانی است که این نگاه را در اکثر مطالعات خود دارد. وی که از پیشگامان نظریه تقویت است، معتقد است که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، درصدد تقویت سلطه اقتصادی و سیاسی قدرتمندان هستند. دولت‌های قدرتمند و صاحب تکنولوژی با سلطه بر فناوری‌های ارتباطی و زیرساخت‌های اینترنت، تنها دیدگاه‌ها و گفتار خود را مطرح و مسلط می‌کنند. اگرچه به ظاهر اینترنت و فناوری‌های نوظهور، باعث توانمندسازی شهروندان و تعهد مدنی آنها در جامعه می‌شود، اما شکاف دیجیتال حاصل از سلطه تجاری و قدرت سیاسی، این توافق و همگرایی را ایجاد نمی‌کند یا تصنعی ایجاد می‌کند. به همین دلیل، حوزه عمومی مبتنی بر گفت‌وگو تحقق پیدا نمی‌کند (Norris, 2001). پاپاچریسی نیز به تبعیت از مارک پاستر یکی از دلایل عدم شکل‌گیری حوزه عمومی و گفت‌وگو در فضای مجازی را همین ساختارهای سیاسی و اقتصادی می‌داند و معتقد است «الگوهای سرمایه‌داری جهانی حاکم بر فناوری‌های نوین و اقتصاد سیاسی اینترنت، امکان تحقق حوزه عمومی و مشارکت گفت‌وگویی را به کاربر نمی‌دهد. آنچه در فضای مجازی شکل می‌گیرد، تصویر وارونه‌ای از حوزه عمومی است. فناوری‌های مبتنی بر اینترنت، خود را با فرهنگ سیاسی فعلی سازگار می‌کنند. اینترنت و فناوری‌های مرتبط با آن، یک فضای عمومی جدید برای گفت‌وگوی در درون قدرت سیاسی ایجاد کرده‌اند؛ اما کمی دور از ذهن است که این فضای عمومی به یک حوزه عمومی مبتنی بر گفت‌وگوی واقعی و خارج از چارچوب حاکمیت منتهی شود» (Papacharissi, 2002: 314). وی در ادامه، تجاری‌شدن اینترنت توسط صاحبان قدرت اقتصادی و ترس از ذخیره‌سازی اطلاعات در فضای مجازی و امکان دسترسی دولت‌ها به آن (به‌ویژه در دولت‌های غیردموکراتیک) را نیز از دلایل عدم تحقق گفت‌وگو در این رسانه‌ها می‌داند (Ibid: 314). در همین راستا خانیکی و دیگران نیز معتقدند «ترس از کنترل اطلاعات توسط حاکمیت، خود دلیلی برای این است که گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی شکل نگیرد» (خانیکی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۷).

دسته دوم دلایل امتناع، ناظر بر ویژگی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات آن بر دنیای واقعی کاربر است. در این زمینه، نوریس عدم دسترسی همه اعضای جامعه به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، حجم زیاد اطلاعات در این فضا و سرریزی اطلاعات و ایجاد تخدیر اجتماعی در بین کاربران و اعتیاد مجازی و دور شدن کاربر از فضای واقعی گفت‌وگو و تداوم گفت‌وگوی مجازی در دنیای واقعی را مطرح می‌کند. نوریس با رویکرد نظریه جایگزینی معتقد است «اینترنت ما را وارد فضای مجازی می‌کند، این فضا جایگزین فضای واقعی می‌شود و ما را انجام فعالیت واقعی دور می‌کند. در اینجا به دلیل جذابیت و حجم زیاد اطلاعات، کاربر بخش اعظمی از وقت خود را در این فضا می‌گذراند و از دنیای واقعی خود دور می‌شود. بی‌شک

اینترنت با این خصلت، ما را از مشارکت در تمامی سطوح دور می‌کند؛ حتی مشارکت مجازی نیز به دلیل گستردگی اطلاعات و اعتیاد به اطلاعات هرز [کم ارزش] اتفاق نمی‌افتد» (Norris, 2001). وی در ادامه، بیان می‌دارد در اینترنت فرصت گفت‌وگو وجود ندارد و علاوه بر آن اینترنت به دلیل درگیر کردن شهروند، فرصت بحث و گفت‌وگو در فضای واقعی را از وی می‌گیرد (Ibid: 218). در ادامه همین دیدگاه، گل محمدی در مقاله خود بیان می‌دارد که فضای مجازی به دلیل «توزیع و دسترسی نابرابر این فناوری‌های جدید در بین کاربران، تنوع مطالب، اضطراب بودن ارتباطات دیجیتالی، آزادی بیش از حد که منجر به ناشناختگی و در نهایت رهایی از مجازات کاربران می‌شود، باعث می‌شود حوزه عمومی هابرماس و گفت‌وگوی مدنظر وی محقق نشود» (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۷۱). در امتداد مقاله گل محمدی در سال ۱۳۹۲ یزدی خواست و دیگران با همان رویکرد نظری و روشی، بحث گفت‌وگو را در شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد بررسی قرار دادند که آنها نیز تقریباً به همان نتیجه دست یافتند (یزدی خواست و دیگران، ۱۳۹۲). در راستای این دو مقاله ایرانی، نیازی و دیگران نیز به عدم دسترسی به گوشی‌های هوشمند در بین تمامی مردم و توزیع نابرابر امکانات و فناوری‌ها اشاره داشتند. آنها دیگر دلایل امتناع گفت‌وگو در این شبکه‌ها را همهمه مجازی می‌دانند و معتقدند با توجه به اینکه همه کاربران در شبکه‌های اجتماعی امکان اظهار نظر به صورت هم‌زمان دارند، نوعی همهمه‌سرایی اتفاق می‌افتد که فضای عمومی را از گفت‌وگو دور می‌کند (نیازی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۸-۸۷).

دسته سوم، دلایل امتناع شکل‌گیری گفت‌وگو در فضای مجازی و متعاقب آن شبکه‌های اجتماعی از نظر پژوهشگران، عوامل فردی است که به کاربر برمی‌گردد. در این زمینه، نوریس عضویت کاربر در صفحات و حساب‌های کاربری که همفکر و همسو هستند و عدم تضارب آراء بین آنها - آنچه که در ارتباطات به آن حباب فیلتر گویند- را مطرح می‌کند. پاپاچریسی نیز با رویکرد پست‌مدرنیستی، قائل به این است که در دنیای جدید، به دلیل هویت چندگانه کاربر و عدم اجماع بر سر یک موضوع، گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد؛ به نحوی که «هویت‌های چندگانه و چندپاره کاربران در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی و ایجاد قوی کاربر در این سایت‌ها امکان پذیرش دیگری، قواعد بحث با وی و فهم پیامش را کاهش می‌دهد» (Papacharissi, 2011: 314). اما در کنار این دلایل، تحقیقات ایرانی به این مسئله بیشتر پرداخته‌اند. مقاله خانیکی و دیگران (۱۳۹۵) از جمله مواردی است که بخش اعظمی از دلایل امتناع را ویژگی کاربر در دنیای واقعی و مجازی می‌داند و معتقد است که ضعف آگاهی در خصوص گفت‌وگو و پیش‌نیازهای آن باعث ضعف در شکل‌گیری حوزه عمومی و گفت‌وگوی هابرماسی در شبکه‌های اجتماعی می‌شود. آنها در این باره به سطحی بودن اطلاعات کاربران در مورد موضوعات مورد

بحث، ادامه‌دار نبودن مسائل مطرح‌شده در شبکه‌ها و فراموشی بحث مورد گفت‌وگو، ضعف در استدلال‌پذیری کاربران، ضعف در پذیرش دیگری، شکل‌گیری قضاوت‌های کلیشه‌ای و افراطی به دلیل ناشناخته بودن کاربر و مطرح‌شدن مسائل خصوصی، به‌جای مسائل عمومی و عدم برابری در گفتگو بین کاربران به دلیل توزیع نابرابر سرمایه‌های مختلف اشاره دارند (خانیک و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۸-۱۲۷). در زمینه ضعف سواد کاربران نسبت به بحث گفت‌وگو و شبکه‌های اجتماعی نیز نیازی و دیگران (۱۳۹۵) معتقدند یکی از چالش‌های گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی ناآشنایی کاربر با مفهوم واقعی گفت‌وگو و اصول آن و عدم شناخت درست از شبکه‌های اجتماعی و نحوه استفاده از آن است (نیازی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۸). این ضعف سواد را می‌توان در مقاله گل‌محمدی نیز مشاهده کرد. همچنین باید اضافه کرد که نیازی و دیگران به بحث عدم گفت‌وگو در فرهنگی ایرانی نیز اشاره داشتند.

جدول (۴): شرایط تحقق گفتگو در شبکه‌های اجتماعی

شرایط تحقق گفت‌وگو و زمینه‌های آن از نگاه پژوهشگران	پژوهشگر یا پژوهشگران
همکاری دولت در ایجاد زمینه فضای باز، نقش آرمانی (آموزش شنیدن محترمانه نظرات و بحث در خصوص آن)، پذیرش برابری در بین کاربران، طرح بحث هم‌گیر و عمومی	دالبرگ (۲۰۰۱)
ایجاد فضای گفت‌وگو توسط دولت، حمایت سیاسی و قانونی از گسترش حوزه عمومی و دموکراسی، تقویت نهادهای گفت‌وگو محور و جامعه مدنی	گیملر (۲۰۰۱)
آموزش شهروندان در خصوص نحوه گفت‌وگو در شبکه	رینگولد (۲۰۰۸)
مهارت اخذ اطلاعات صحیح در فضای مجازی، کسب تجربه گفت و گو در دنیای واقعی	گرهاردس (۲۰۱۰)
آموزش مهارت گفت‌وگو در مدارس، ایجاد ساختار گفت‌وگویی در نظام آموزشی	سوان (۲۰۱۳)
ایجاد زمینه گفتگوی سیاسی توسط دولت، آشنایی و آموزش گفت‌وگوی مجازی	باتورسکی و گرزپونیسکی (۲۰۱۷)
دسترسی متوازن همه به فناوری‌ها، ایجاد فرصت برابر برای گفتگو، پذیرش دیگری در فضای مجازی، بروز هویت واقعی، تجربه گفت‌وگو در گروه‌های کوچک و تسری آن به گروه‌ها و فضای شبکه‌ای گسترده	خانیک و دیگران (۱۳۹۶)

در کنار دلایل امکان و امتناع گفت‌وگو در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، برخی از پژوهشگران پس از ذکر دلایل خود در دو مورد مذکور، به تبیین شرایطی پرداختند که

اگر به آن شرایط توجه شود، امکان تحقق گفت‌وگو در فضای مجازی بهتر صورت می‌گیرد. این دسته از پژوهشگران بر این باورند که ویژگی فنی و ساختاری شبکه‌های اجتماعی، فی‌نفسه نمی‌تواند باعث گفت‌وگو شود، گفت‌وگو دارای الزامات پیشینی و پسینی است که مقدمات آن باید در جامعه و فرد مهیا شود. این شروط را می‌توان به سه دسته عوامل ساختاری، عاملیتی و نقش توأمان عوامل ساختاری و عاملیتی تقسیم کرد.

دسته نخست، مبتنی بر عوامل ساختاری است. در این بخش، پژوهشگران بر نقش ساختارها برای ایجاد زمینه‌های گفت‌وگو در جامعه تأکید دارند. آنان معتقد ساختارهای سیاسی، فرهنگی و آموزشی در بسترسازی گفت‌وگو در جامعه، نقش مهمی دارند و زمانی شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند به توسعه گفت‌وگو در جامعه کمک کنند که این بسترها آماده باشند. یکی از مهم‌ترین آنها ایجاد فضای گفتگو توسط نهاد دولت و ساختار سیاسی است. گیملر (۲۰۰۱) در این زمینه معتقد است «از آنجا که دموکراسی مشورتی یک مدل دوطرفه گفت‌وگویی بین حکومت و مردم است، اینترنت و رسانه‌های جدید می‌توانند به‌عنوان نماینده حوزه عمومی و جامعه مدنی، نقش اساسی ایفا کنند. اما این مشروط بر این است که مفاهیم هنجاری حوزه عمومی و عناصر اساسی آن یعنی ارتباط آزاد، گفت‌وگو و دسترسی برابر به اطلاعات حتی اسناد دولتی، مورد پذیرش دولت باشد. دولت باید فضای حوزه عمومی و گفت‌وگو را بپذیرد و آن را توسعه دهد (Gimmler, 2001: 45 - 46). در این زمینه، خانیکی و دیگران (۱۳۹۶) نیز با تأکید بر نقش زیرساختی دولت در ایجاد فضا و بستر مناسب برای گفت‌وگو، به دسترسی متوازن شهروندان به فضای مجازی و رسانه‌های جدید و تقویت نهادهای مدنی پرداختند. در این بین، جنی سوان (۲۰۱۳) که در رساله دکتری خود درصدد استفاده از رسانه‌های اجتماعی در بهبود گفت‌وگو در مدارس است، با تأکید بر نقش نظام آموزشی، شرط تحقق گفت‌وگو در فضای مجازی را آموزش دانش‌آموزان برای کسب مهارت گفت‌وگو در دنیای واقعی و مجازی می‌داند. وی معتقد است که ساختار رسمی آموزش باید براساس فضای مشارکت گروهی و گفت‌وگو تغییر کند (Swann, 2013).

دسته دوم بر عاملیت و نقش فرد تأکید دارد. در این دسته، پژوهشگران بر این باورند که پیش نیاز گفت‌وگو کسب مهارت آن است و این مهارت، از طریق آموزش محقق می‌شود. در کنار این مهارت، کاربر باید مهارت سواد رسانه‌ای نیز داشته باشد. رینگولد که در مقاله نخست خود (۲۰۰۰) نگاه افراطی به تحقق مشارکت، حوزه عمومی و گفت‌وگو در فضای مجازی داشت در مقاله دوم، نگاه خود را تعدیل کرده و برای تحقق گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی شرط آموزش کاربران در دو حوزه آموزش مهارت گفت‌وگو و آموزش استفاده از شبکه‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد (Rheingold, 2008). همین دو شیوه آموزش را به نوع دیگر گرهاردس در

مقاله خود مطرح می‌کند. وی معتقد است که برای تحقق گفتگوی سالم و آزاد برای حوزه عمومی، کاربر باید مهارت اخذ اطلاعات صحیح در فضای مجازی و کسب تجربه گفت‌وگو در دنیای واقعی را بیاموزد (Gerhards, 2010). خانیکی و دیگران اذعان می‌کنند که تحقق این امر، نیازمند شروطی چون دسترسی متوازن همه به فناوری‌ها، ایجاد فرصت برابر برای گفتگو، پذیرش دیگری در فضای مجازی، بروز هویت واقعی، تجربه گفت‌وگو در گروه‌های کوچک و تسری آن به گروه‌ها و فضای شبکه‌ای گسترده است (خانیکی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

دسته سوم بر نقش توأمان ساختار و عاملیت تأکید دارند. این دسته از پژوهشگران معتقدند که شرط تحقق گفت‌وگو در فضای مجازی، نیازمند تعامل بین دولت و کاربر است. ضمن اینکه دولت باید زیرساخت‌های سیاسی، فرهنگی و فنی لازم را مهیا سازد، فرد به عنوان کاربر نیز باید آمادگی فرهنگی و فنی لازم برای گفت‌وگو در فضای مجازی را داشته باشد. دالبرگ معتقد است که امکان شکل‌گیری گفت‌وگو زمانی صورت می‌گیرد که دولت و کاربران فراتر از نقش عادی خود ظاهر شوند. «اگرچه بسیاری از اندیشمندان به تعاملات و گفت‌وگوهای اینترنتی انتقاد دارند و عوامل محدودکننده آن را زیاد می‌دانند، اما با جذب مشارکت کنشگران در اینترنت و کسب تجربه همراه با آموزش اولیه آنان، می‌توان از ظرفیت‌های اینترنت، به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای گفت‌وگو استفاده کرد. در این زمینه، همکاری دولت در ایجاد زمینه فضای باز و آزاد برای گفت‌وگو و تلاش کاربران برای شنیدن محترمانه نظرات و بحث در خصوص آن، پذیرش برابری در بین کاربران و طرح بحث همه‌گیر و عمومی راهگشاست» (Dahlberg, 2001: 65). در امتداد نقش دوگانه دولت و کاربر، باتورسکی و گزبونیسکی در بخشی از مقاله خود به ایجاد زمینه گفت‌وگوی سیاسی توسط دولت، آشنایی و آموزش گفت‌وگوی مجازی اشاره دارد (Batorski & Grzywińska, 2017).

۵) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با رشد اینترنت، این نوید که فضای مجازی می‌تواند اندیشه هابرماس در خصوص حوزه عمومی و گفت‌وگو را احیاء کند، وارد بحث علمی و پژوهشی رسانه‌های جدید شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که استدلال اندیشمندان و پژوهشگران در خصوص گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته نخست، کسانی هستند که به امکان تحقق گفت‌وگو در فضای مجازی و شبکه‌ها خوش‌بین هستند. همان‌طور که هابرماس (۱۹۹۴، ۲۰۰۰) معتقد بود که ظرفیت‌های فنی اینترنت و فضای مجازی چون گستره پوشش جهانی، دسترسی آزاد اطلاعات و مشارکت کاربران می‌تواند باعث ایجاد حوزه عمومی و گفت‌وگو شوند، این پژوهشگران نیز با تأکید بر ویژگی فنی شبکه‌های اجتماعی قائل به این

هستند که این ویژگی باعث ایجاد فضای برای گفت‌وگو بین کاربران می‌شود. آنان معتقدند ویژگی‌های چون گستره پوشش یا قلمرو جهانی، انتقال سریع اطلاعات، تعاملی بودن و ارتباطات دوسویه افقی، مخاطب‌محوری، دسترسی آزاد به اطلاعات، تمرکززدایی و هم‌زمانی ارتباطات در فناوری‌های جدید، دلایلی برای تحقق گفت‌وگو و پیش‌نیازهای آن در شبکه‌های اجتماعی هستند. در کنار این ویژگی‌ها، همان‌طور که رینگولد (۲۰۰۰، ۲۰۰۸) معتقد است، جامعه مبتنی بر شبکه‌ها دارای ویژگی‌ها و ساختارهایی است که بر اساس آن مشارکت مدنی مبتنی بر گفت‌وگو شکل می‌گیرد، اندیشمندانی با توجه به ویژگی جامعه شبکه‌ای چون امکان‌رهایی و آزادی بدون ترس در بیان دیدگاه‌ها در شبکه‌ها و باز بودن فضا برای مشارکت در بحث، امکان طرح استدلال‌های متنوع و بررسی آنها، امکان دیالوگ‌کردن با دیگری و شنیدن صداها، ایجاد همگرایی و پذیرش دیگری، ایجاد فضا برای طرح مسئله و گفت‌وگو در مورد آن و تبدیل آن به مسئله عمومی معتقدند شبکه‌ها باعث ایجاد گفت‌وگو بین کاربران و تسری آن در جامعه واقعی می‌شوند.



شکل (۱): دلایل امکان، امتناع و مشروط گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی

از سوی دیگر، یافته‌های برخی محققان بر امتناع گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی صحه می‌گذارند. همان‌طور که پاستر (۱۹۹۵، ۲۰۰۰) معتقد است که ویژگی‌های فضای مجازی و حضور بی‌قاعده کاربر در آن، باعث مهمه مجازی می‌شود دسته‌ای از این اندیشمندان نیز با تأکید بر ویژگی شبکه‌های اجتماعی چون؛ عدم دسترسی همه اعضای جامعه به فضای مجازی

و فناوری‌های آن، حجم فراوان و سرریزی اطلاعات، احساسی بودن فضای مجازی و وجود انبوه خلق مجازی، بر این باور هستند که شبکه‌های اجتماعی با وضعیت کنونی که دارند، نمی‌توانند بستری برای گفت‌وگو باشند. همچنین همان‌طور که نوریس (۲۰۰۰، ۲۰۰۱) با طرح نظریه تقویت، به این اشاره کرده است که فضای مجازی تحت سلطه و نظارت حوزه سیاست و بازار است و اینترنت تقویت‌کننده قدرت این دو حوزه در عصر جدید است، نظارت و کنترل حاکمیت و تجاری شدن اینترنت را سد راهی بر سر ایجاد گفت‌وگوی واقعی در شبکه‌های اجتماعی می‌داند. از نگاه آنان می‌توان بیان داشت که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، شبکه‌ها می‌توانند باعث ایجاد گفت‌وگوی نمایشی شوند. برخی دیگر از محققان نیز ویژگی فردی کاربران را مانع تحقق گفت‌وگو در این فضا می‌دانند. همان‌طور که پاپاچرسی (۲۰۱۱) معتقد است که ویژگی چندپاره کاربر و خودمحوری وی در فضای مجازی کنونی، امکان پذیرش نظرات دیگری را سخت و پیش‌نیازهای گفت‌وگو را تحدید می‌کند، برخی از پژوهشگران با طرح ویژگی‌هایی چون خودمحوری و عدم پذیرش دیگری، ناآشنایی با گفت‌وگو، تأکید بر تفکرات قالبی و کلیشه‌ای، سطحی بودن اطلاعات و ضعف در استدلال‌پذیری کاربران معتقدند گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی محقق نمی‌شود.

همان‌طور که بری ولمن (۲۰۰۱ و ۲۰۱۲) معتقد است زیست و جامعه مجازی در امتداد زیست و جامعه واقعی هستند و حضور در فضای مجازی، نیاز به تمهیداتی در فضای واقعی است، برخی پژوهشگران نیز تحقق گفت‌وگو در فضای مجازی را منوط به آموزش گفت‌وگو در دنیای واقعی می‌دانند، آنان بر این باورند که گفت‌وگوی شبکه‌ای زمانی رخ می‌دهد که فرد نسبت به گفت‌وگو آشنایی داشته باشد و در تجربه زیسته دنیای واقعی خود با گفت‌وگو آشنا شده باشد. در ضمن همان‌طور که دالبرگ (۲۰۰۱) معتقد به نقش دولت در ایجاد دموکراسی آنلاین مبتنی بر حوزه عمومی و گفت‌وگو است، یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی محققان بر این باور هستند که دولت به نمایندگی از ساختار سیاسی نقش اساسی در ایجاد فضای گفت‌وگو در جامعه واقعی و زیرساخت‌های فنی آن در جامعه شبکه‌ای دارد.

با توجه به آرای صاحب‌نظران و یافته‌های پژوهشگران، می‌توان بیان داشت که برخلاف دو نحله خوش‌بینانه و بدبینانه به گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی مجازی، می‌توان امید داشت که گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی با رعایت پیش‌شرط‌هایی محقق شود. پیش‌شرط‌هایی چون آشنایی با گفت‌وگو و وجود گفت‌وگو در فضای واقعی، آشنایی با شبکه‌های اجتماعی و نحوه استفاده درست از آن برای گفت‌وگو، بسترسازی فرهنگی و سیاسی گفت‌وگو در این زمینه کارساز هستند. در راستای تحقق این ایده، باید به آموزش مهارت‌های گفت‌وگو در نظام آموزش کشور، ایجاد بستر فرهنگی اجتماعی لازم برای گفت‌وگو توسط نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای،

ایجاد فضای سیاسی مناسب برای شکل‌گیری حوزه عمومی و پذیرش گفت‌وگو توسط حاکمیت و دولت، ایجاد زیرساخت فنی و شبکه‌ای برای دسترسی آسان و آزاد فضای مجازی (با رعایت قوانین کشور) توسط دولت، توجه ویژه داشت. با تأکید بر نقش توأمان دولت و کاربر می‌توان بیان داشت که در این بین، دولت با ایجاد فضای باز در شبکه‌های اجتماعی و بسترسازی برای گفتگوی می‌تواند به تحقق گفت‌وگو در شبکه مجازی کمک کند. از سوی دیگر گفت‌وگو زمانی به شیوه ایده‌ال در شبکه‌ها محقق می‌شود که کاربران نسبت به نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گفت‌وگو در آن سواد لازم را داشته باشند که این امر نیازمند آموزش کاربر در دو حوزه گفت‌وگو و پیش‌نیازهای آن در فضای واقعی و مجازی و سواد رسانه‌ای است.



منابع

- خانیکی، هادی و دیگران (۱۳۹۶) «تحلیل وضعیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با رویکرد حوزه عمومی هابرماس (مورد مطالعه چند گروه فیسبوکی)، **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، دوره ۱۸، شماره ۳۷، صص ۱۳۰-۱۰۱.
- قانع‌راد، محمدمبین و جنادله، علی (۱۳۹۴) «رویکردهای متعارض درباره تکوین حوزه عمومی در فضای مجازی»، **مطالعات رسانه‌های نوین**، دوره ۱، شماره ۱، صص ۳۲-۱۴.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶) «گفتگو در دنیای مجازی (تأثیر فناوری‌های ارتباطی اطلاعاتی و گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها)، **پژوهش سیاست نظری**، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۷۹-۱۶۵.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱) **رویکردهای نظری در گفت‌وگو تمدن‌ها**. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و جهاد دانشگاهی.
- نیازی، محسن و دیگران (۱۳۹۵) «شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه حوزه عمومی: تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در ایران»، **فصلنامه جامعه، فرهنگ و رسانه**، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۸۶-۷۳.
- وبستر، فرانک (۱۳۸۰) **نظریه‌های جامعه اطلاعاتی**، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران: نشر قصیده‌سرا.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۲) **دگرگونی ساختاری حوزه عمومی**. ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر افکار.
- یزدی‌خواست، بهجت و دیگران (۱۳۹۲) «حوزه عمومی و گفت‌وگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی (بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گفت‌وگو میان فرهنگی)»، **مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، دوره ۱۴، شماره ۲۱، صص ۱۰۱-۸۱.
- Batorski, Dominik & Grzywińska, Ilona. (2017) "Three Dimensions of the Public Sphere on Facebook", **Information, Communication & Society**, 21(3), PP 356-374.
- <https://doi.org/10.1080/1369118X.2017.1281329>
- Bohman, James. (2004) "Expanding Dialogue: The Internet, the Public Sphere and Prospects for Transnational Democracy", **the Sociological**, 52(1).
- <https://doi.org/10.1111/j.1467-954X.2004.00477.x>
- Burbles, N. C. (۱۹۹۳) **Dialogue in teaching: Thinking and practice**. New York, NY: Teachers College Press.
- Castells, Manuel. (2004) "Informationalism, Networks, and the Network Society: A Theoretical Blueprint". Text Published in the **Network Society: a Cross-Cultural Perspective**, Northampton, and Edward Elgar.
- Dahlberg, Lincoln. (2001) "The Internet and Democratic Discourse: Exploring The Prospects of Online Deliberative Forums Extending the Public Sphere, **Journal Information, Communication & Society** 4(4) <https://doi.org/10.1080/13691180110097030>
- Habermas, J. (1994) **The Philosophical Discourse of Modernity**. London: Policy press.
- Habermas, J. (1996) **Between Facts and Norms**. London: Policy press
- Heidemann, Julia & et al. (2012) "Online Social Networks: A survey of a global phenomenon", **Computer Networks**, 56(18), PP: 3866-3878.

- Kraut, R., et al. (2002) Internet paradox. revisited. *Journal of Social Issues*, 58(1), 49-74.
- <http://kraut.hciresearch.org/sites/kraut.hciresearch.org/files/articles/kraut98-InternetParadox.pdf>
- Gerhards, JIs. (2010) "The Internet a Better Public Sphere? Comparing Old and New Media in the USA and Germany", *New Media & Society*, 12(1).
- Gimmler, Antje. (2001) "Deliberative Democracy, the Public Sphere and the Internet", *Philosophy & Social Criticism*, 27(4).
<http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/019145370102700402>
- Mesch, GS. (2015) "New Media and Social Capital", *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (Second Edition), PP:782-786
- Norris, P. (2001) *Digital Divide? Civic Engagement, Information Poverty and the Internet in Democratic Societies*. Cambridge University Press.
- Obar, Jonathan A, Wildman, Steve. (2015) "Social Media Definition and the Governance Challenge: An Introduction to the Special Issue", *Telecommunications policy* 39 (9).
<http://ssrn.com/abstract=2647377>
- Outwaite, William. (2000) *The Habermas Reader*, London: policy, press.
- Papacharissi, Zizi. (2002) "The Virtual Sphere: The Internet as a Public Sphere", *New Media & Society*, 4(1), PP: 9-27.
<https://doi.org/10.1177/14614440222226244>
- Papacharissi, Zizi. (2011) *A Networked Self: Identity, Community, and Culture on Social Net worksites*, New York: Routledge.
- Poster, M. (1995) "The Internet as a Public Sphere?" *Wired*, 3(1), PP: 209- 221.
- Rainie, Lee & Wellman, Barry. (2012) *Networked: The New Social Operating System*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Rheingold, H (1993) *The Virtual Community: Homesteading on the Electronic Frontier*. Reading, Massachusetts: Addison-Wesley.
- Rheingold, H (2000) *The Virtual Community: Homesteading on the Electronic Frontier* (2ndEdition). Cambridge, Massachusetts: MIT Press
- Rheingold, Howard. (2008) "Using Participatory Media and Public Voice to Encourage Civic Engagement." *Civic Life Online: Learning How Digital Media Can Engage Youth*. Edited by W. Lance Bennett, The John D. and Catherine T. MacArthur Foundation Series on Digital Media and Learning. Cambridge, MA: The MIT Press.
<https://doi: 10.1162/dmal.9780262524827.097>
- Shannon, S. (2002) "Critical Appraisal of Systematic Reviews", *Can Assoc Radiol J*, ۵۳(۴), PP: 77-97.
- Swann, Jeni (2013) *Dialogic and inquiry: From theory to practice*, University of Southern Queensland.
- Sorj, B. (2006) "Internet, Public Sphere and Political Marketing: Between the Promotion of Communication and Moralism Solipsism", Rio de Janeiro: The Edelstein Center for Social Research, Working Paper, 2.
- Wang, Chunzhi & Bates, Benjamin. (2008) "Online Public Sphere and Democracy in China: Case study Sun Zhigang", Paper to be presented at IAMCR, Stockholm.
<http://web.cci.utk.edu/~bates/papers/iamcr08-wang-bates-publics.pdf>
- Wellman B, et al. (2001) "Does the Internet Increase, Decrease, or Supplement Social Capital?" *American Behavioral Scientist*. 45(2), PP: 436-455.
- Wright, RW, et al. (2007) "How to write a systematic review", *Clin Orthop Relat R*. 34(۴), PP: 9-33.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني